

جلسات هیئت مدیره و کمیته منتخب هیئت مدیره در پاییز ۱۴۰۳

هیئت مدیره انجمن خیریه توانخواهان آسوده ماوی به منظور بررسی رویدادهای جاری و تصمیم گیری های جمعی، در پاییز ۱۴۰۳ نیز با تشکیل جلسات عادی در تاریخ های ۱۴ مهرماه، ۵ آبان ماه و ۱۰ آذرماه، ۱۴ مورد دستور کار را بررسی و در مورد آنها تصمیم گیری نمود. علاوه بر این، جلسات فوق العاده هیئت مدیره (متشکل از چهار نفر از اعضای اصلی)، در تاریخ های ۲، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۳۰ مهرماه، ۵، ۷، ۹، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۳ و ۲۶ آبان ماه و ۳، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱ و ۲۹ آذرماه برگزار شده، ۴۸ مورد دستور کار بررسی و در مورد آنها تصمیم گیری گردید.

مجامع عمومی فوق العاده و عادی سالیانه

جلسات مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن آسوده ماوی به ترتیب در ساعت های ۱۰:۳۰ و ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه در سالن آرزو واقع در مجتمع دفتر مرکزی خیریه آسوده ماوی و با حضور ۴۹ نفر از اعضای هیئت امنا یا وکلای آنان و با نظارت آقای جمالی، نماینده دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری اصفهان برگزار شد. آقایان علی رجالی، مصطفی نبوی نژاد و محمدتقی سالار فرد و خانم طاهره سیدمؤمن، به عنوان اعضای هیئت رئیسه انتخاب شده و هر دو جلسه مجمع را اداره نمودند. در مجمع عمومی فوق العاده، بندهایی از اساسنامه با موضوع اصلاح نشانی، افزایش دارایی اولیه انجمن و کاهش اعضای هیئت امنا (به علت فوت دو تن) به رأی گذاشته و تصویب شد. در مجمع عمومی عادی سالیانه، پس از ارائه گزارش های سال ۱۴۰۲ هیئت مدیره و بازرس، آقای اکبر شمشیری، خانم اعظم السادات طوسی زاده، آقایان احمد شعرافیون، محمد یعقوبی و محمد کاظمی به عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره، آقایان محمد پرورش و حمیدرضا جوادیان به عنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره، آقای حمیدرضا سارنج به عنوان بازرس اصلی و آقای ادريس حیدری به عنوان بازرس علی البدل انتخاب شدند.



ارائه گزارش عملکرد هیئت مدیره در سال ۱۴۰۲ توسط آقای مهندس محمد کاظمی (رئیس هیئت مدیره)



استقرار هیئت رئیسه در جایگاه



قرائت گزارش توسط اعضای هیئت امنا



ارائه گزارش مالی سال ۱۴۰۲ توسط آقای حمیدرضا سارنج (بازرس اصلی)



بازارچه گروه حامیان ماندگار در راستای حمایت از معلولین خیریه آسوده ماوی

گروه حامیان ماندگار، بانوان نیکوکاری هستند که همواره وقت و توان خود را برای حمایت از توانخواهان خیریه آسوده ماوی صرف می‌کنند. این بانوان با همکاری منسجم و با تهیه و عرضه انواع غذاهای سنتی، در تأمین بخشی از هزینه‌های سنگین توانخواهان و خانواده‌هایشان که به علت شرایط سخت معیشت بر آنان تحمیل می‌شود، خیریه آسوده ماوی را یاری می‌نمایند. از طرفی غذاهای باکیفیت آن‌ها، نظیر کوفته شویذباقلا، قیمه‌ریزه‌نخودچی، کباب شامی، کباب مشتی، دلمه، کشک و بادمجان، آش رشته، آش جو، سمبوسه، فلافل و کبه خوزستان، همواره طرفداران خود را دارد. انواع سبزیجات آماده طبخ، پیاز داغ و بادمجان سرخ شده، انواع ادویه، آب‌غوره، آب‌لیمو، انواع مربا و ترشیجات، دیگر محصولاتی هستند که به سبک خانگی و کاملاً بهداشتی، تهیه و عرضه می‌شوند.



تهیه سبزیجات آماده طبخ
۱۴۰۳/۰۷/۲۵



فروش فوق العاده مواد غذایی خانگی (کشک و بادمجان)
۱۴۰۳/۰۷/۰۹



آماده‌سازی دلمه برای عرضه در روز بعد
۱۴۰۳/۰۸/۲۰



آماده‌سازی محصولات (تهیه پیاز داغ)
۱۴۰۳/۰۸/۱۲



فروش فوق العاده ویژه شب یلدا
۱۴۰۳/۰۹/۲۹



عرضه غذاهای سنتی (آش رشته و آش جو)
۱۴۰۳/۰۹/۱۲

شماره ۱۳۹ / پاییز ۱۴۰۳

نمونه‌هایی از فعالیت‌های کاردرمانی، شناخت و آموزش، گفتاردرمانی، رفع اختلالات رفتاری و یادگیری در پاییز ۱۴۰۳
بهترین زمان توان بخشی برای توانخواهان، از بدو تولد تا پیش از اتمام ۶ سالگی است که دوران طلایی نام دارد و این تمرینات گاهی تا ۱۲ سالگی نیز اثربخش خواهد بود. بر همین اساس، انجمن توانخواهان آسوده ماوی با پذیرش و حمایت معلولین ذهنی و جسمی در این رده سنی، تلاش می‌نماید از پیشرفت بیماری جلوگیری و به درمان آن کمک نماید. خدمات توان بخشی شامل کاردرمانی جسمی، کاردرمانی ذهنی و گفتاردرمانی که بیشتر به صورت هم‌زمان برای هر توانخواه انجام می‌پذیرد، در این مرکز ارائه می‌شود.



کاردرمانی ذهنی-جسمی - کاردرمانگر: آقای مرادی
۱۴۰۳/۰۷/۲۲



مشاوره اختلالات رفتاری و یادگیری - مشاور: خانم باتوانی
۱۴۰۳/۰۷/۱۰



کاردرمانی جسمی - کاردرمانگر: خانم شجاعی (مدیر درمانگاه)
۱۴۰۳/۰۸/۲۴



کاردرمانی جسمی - کاردرمانگر: آقای عبادی
۱۴۰۳/۰۸/۱۶



گفتاردرمانی - گفتاردرمانگر: خانم اعرابی
۱۴۰۳/۰۹/۲۲



کاردرمانی ذهنی-جسمی - کاردرمانگر: خانم بلندی
۱۴۰۳/۰۹/۲۰

پشتیبانی اقتصادی، یکی از برنامه‌های توانمندسازی خانواده‌های تحت پوشش انجمن خیریه آسوده ماوی

حمایت‌های انجمن از توانخواهان و خانواده‌هایشان بر اساس تحقیقات معاونت توانیاری صورت می‌گیرد. در پاییز ۱۴۰۳ علاوه بر کمک‌های نقدی، لوازم توانبخشی، پوشاک، سبدهای کالای خانوار و پوشک برای توانخواهان طبق برنامه میان خانوادگی تحت پوشش توزیع گردید. افزایش شمار درخواست‌کنندگان خدمات که به صورت روزانه به خیریه آسوده ماوی مراجعه می‌نمایند، برکسی پوشیده نیست و این انجمن مردم نهاد، برای تداوم و بهبود خدمات خود، همواره وابسته به کمک‌های مردمی است.



توزیع پوشک و سبد کالا میان خانواده‌های تحت پوشش

۱۴۰۳/۰۷/۲۵



توزیع گوشت قرمز به همراه پوشک برای توانخواهان

۲۷ و ۱۴۰۳/۰۸/۲۸



توزیع پوشاک زمستانی میان خانواده‌های تحت پوشش

۱۴۰۳/۰۸/۲۶



توزیع میوه و شیرینی و سبد کالا میان خانواده‌های تحت پوشش

ویژه شب یلدا ۱۴۰۳/۰۹/۲۷



توزین و بسته بندی میوه شب یلدا

۱۴۰۳/۰۹/۲۴

خلاصه فعالیت‌های معاونت توانیاری در شهریور، مهر و آبان ۱۴۰۳

معاونت توانیاری انجمن خیریه توانخواهان آسوده ماوی مسئولیت خدمات رسانی مستقیم به توانخواهان و خانواده‌هایشان را برعهده دارد. با توجه به اینکه آمار فعالیت‌های این معاونت به صورت سه ماهه (در هر فصل‌نامه) ارائه می‌گردد، بدیهی است انعکاس فعالیت‌های آخرین ماه هر فصل به دلیل ارائه خدمات تا آخرین روز، همزمان با انتشار فصل‌نامه، امکان پذیر نبوده و از این رو آمار فعالیت‌های آذرماه در فصل‌نامه بعدی ارائه خواهد شد.

آبان ۱۴۰۳		مهر ۱۴۰۳		شهریور ۱۴۰۳		اقدامات انجام شده
تعداد	هزینه (تومان)	تعداد	هزینه (تومان)	تعداد	هزینه (تومان)	
۱۶۷ خانواده	۳۸,۵۰۰,۰۰۰	۱۶۶ خانواده	۳۷,۱۰۰,۰۰۰	۱۷۰ خانواده	۳۷,۰۸۰,۰۰۰	کمک هزینه ماهیانه بابت دارو، ویزیت پزشک، بستری در بیمارستان، پرستاری، غذای ویژه، آموزش، اجاره مسکن، بیمه، سرویس رفت و آمد، کفن و دفن
۱۷۲ نفر	۱۱۳,۸۰۰,۰۰۰	۱۶۷ نفر	۱۰۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۷۰ نفر	۹۸,۱۴۸,۰۰۰	توزیع پوشک برای مصرف یک ماه توانخواهان
۳۴۲ جلسه	۵۷,۰۰۰,۰۰۰	۳۹۸ جلسه	۷۲,۸۰۰,۰۰۰	۲۴۹ جلسه	۳۷,۵۰۰,۰۰۰	خدمات توانبخشی (کاردرمانی جسمی و ذهنی، شناخت و آموزش، گفتار درمانی) در مرکز آسوده ماوی
۵۰ جلسه	۱۹,۷۰۰,۰۰۰	۵۸ جلسه	۲۳,۵۰۰,۰۰۰	۳۷ جلسه	۱۴,۲۰۰,۰۰۰	خدمات کاردرمانی در منزل
۱۰ مورد	۱۷,۳۵۰,۰۰۰	۹ مورد	۱۵,۳۰۰,۰۰۰	۸ مورد	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	خدمات کاردرمانی در مراکز خارج از آسوده ماوی
۲۴ نسخه	۶,۲۲۰,۰۰۰	۲۸ نسخه	۵,۶۰۰,۰۰۰	۲۰ نسخه	۶,۳۰۰,۰۰۰	تهیه دارو از طریق ارجاع به داروخانه‌های شهید منتظری، دکتر رامین عبداللهی و امام سجاده (ع)
۱۶ نفر	رایگان	۱۸ نفر	رایگان	۱۵ نفر	رایگان	خدمات ویزیت توانخواهان و خانواده‌هایشان توسط جناب آقای دکتر عباس عطاری (متخصص اعصاب و روان)
۲ نفر	رایگان	۲ نفر	رایگان	۲ نفر	رایگان	خدمات ویزیت توانخواهان و خانواده‌هایشان توسط جناب آقای دکتر مهدی ریسمانچیان (متخصص مغز و اعصاب)
۴ مورد	۳۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۲ مورد	۹۵,۰۰۰,۰۰۰	۵ مورد	۴۲,۰۰۰,۰۰۰	وام قرض الحسنه
۳ دستگاه	۴,۶۴۰,۰۰۰	۳ دستگاه	۴,۶۴۰,۰۰۰	۱ عدد	۴۲۰,۰۰۰	ویلچر
* دستگاه	*	۱ دستگاه	۳۰۰,۰۰۰	۱ دستگاه	۳۰۰,۰۰۰	ویلچر حمام بر (کارکرده)
۱ دستگاه	۶۰۰,۰۰۰	* دستگاه	*	* دستگاه	*	صندلی حمام-بر
* عدد	*	* عدد	*	۲۸۶,۰۰۰ عدد	*	واکر چرخ‌دار
* دستگاه	*	۱ دستگاه	۳,۰۰۰,۰۰۰	* دستگاه	*	تخت بیمارستانی
* عدد	*	* عدد	*	۱,۲۰۰,۰۰۰ عدد	*	کپسول اکسیژن
* دستگاه	*	۱ دستگاه	۴,۰۰۰,۰۰۰	* دستگاه	*	یخچال (کارکرده)
۱ دستگاه	۴,۰۰۰,۰۰۰	* دستگاه	*	* دستگاه	*	یخچال فریزر (کارکرده)
* دستگاه	*	۱ دستگاه	۳,۹۰۰,۰۰۰	* دستگاه	*	لباسشویی ۵ کیلویی دست دوم
۱ تخته	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	* تخته	*	* تخته	*	فرش ۹ متری
* دستگاه	*	* دستگاه	*	۴,۶۰۰,۰۰۰ دستگاه	۱	گوشی تلفن همراه
۲۰۱ کیلوگرم	۱۴۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۸ کیلوگرم	۱۳,۰۰۰,۰۰۰	۱۹۰ کیلوگرم	۱۴۰,۶۰۰,۰۰۰	گوشت
۱۳ عدد	۲,۴۰۰,۰۰۰	۲۰۹ عدد	۳۷,۵۰۰,۰۰۰	۲۹ عدد	۵,۲۰۰,۰۰۰	مرغ

فعّالیت‌های واحد فرهنگی-آموزشی در پاییز ۱۴۰۳ (ویژه توانخواهان و مادران)

در انجمن خیریه توانخواهان آسوده ماوی، حمایت همه جانبه از توانخواهان صرفاً شامل ارائه خدمات جسمانی و مادی نیست. معاونت فرهنگی-آموزشی نیز بر حسب رسالت خود در راستای توانمندسازی توانخواهان و خانواده‌ها با برگزاری انواع کلاس‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و... برای توانخواهان و مادران، به مسائل روحی این عزیزان پرداخته است. بدین ترتیب ایجاد حس خودباوری و توانمندی برای آنان جزو برنامه‌های پیوسته این انجمن بوده است.



کلاس آوادرمانی ویژه توانخواهان - مربی: آقای قناعت
۱۴۰۳/۰۷/۲۱



کلاس آموزش سرود ویژه توانخواهان - مربی: آقای بخشی
۱۴۰۳/۰۷/۰۲



کلاس خلاقیت کودکان - مربی: خانم شهسواری
۱۴۰۳/۰۸/۲۴



کلاس آموزش شمع‌سازی ویژه مادران - مربی: خانم معینی‌فر
۱۴۰۳/۰۸/۱۶



محفل دوستی مادران - سرپرست گروه: خانم پهلوانی
۱۴۰۳/۰۹/۰۸



کلاس مثبت اندیشی ویژه مادران - مربی: خانم شیران
۱۴۰۳/۰۹/۰۵

خلاصه فعالیت‌های معاونت فرهنگی-آموزشی در شهریور، مهر و آبان ۱۴۰۳

در جدول زیر، خدمات فرهنگی-آموزشی انجمن خیریه آسوده ماوی به توانخواهان و خانواده‌هایشان را در سه ماه گذشته مشاهده می‌نمایید و از آنجایی که این فعالیت‌ها به طور دائم در جریان هستند و در زمان انتشار فصل‌نامه، ارائه آمار ماه آخر هر فصل امکان پذیر نیست، آمار فعالیت‌های آذرماه در شماره بعدی منتشر خواهد شد.

ردیف	نوع فعالیت	محل برگزاری	شهریور ۱۴۰۳		مهر ۱۴۰۳		آبان ۱۴۰۳	
			تعداد شرکت کنندگان	هزینه (تومان)	تعداد شرکت کنندگان	هزینه (تومان)	تعداد شرکت کنندگان	هزینه (تومان)
۱	سرویس آمد و شد توانخواهان از منزل به محل کلاس‌های انجمن	*	۳۲	۲۲,۷۹۹,۰۰۰	۳۷	۱۹,۵۹۲,۰۰۰	۳۲	۱۸,۹۰۷,۰۰۰
۲	برگزاری کلاس‌های خوداشتغالی برای توانخواهان در زمینه‌های فیروزه‌کوبی و رنگ درمانی	ساختمان رضا-۱ و سالن آرزو و ساختمان رضا-۲	۷۳	۲۲,۶۱۷,۵۰۰	۷۳	۱۴,۹۲۸,۰۰۰	۷۳	۶۶,۳۰۵,۰۰۰
	برگزاری کلاس‌های خوداشتغالی برای مادران توانخواهان در زمینه‌های فیروزه‌کوبی، هنر مادران (یافتنی) و شمع‌سازی		۴۸		۴۸		۴۸	
۳	برگزاری کلاس‌های آموزشی برای توانخواهان در رشته‌های قرآن، زبان انگلیسی مقدماتی و پیشرفته، رنگ‌درمانی، داستان نویسی، فیروزه‌کوبی، شمع‌سازی، بازی‌درمانی، نقاشی کودکان، موسیقی کودکان، رایانه پیشرفته، تئاتر، سرود، خنده‌درمانی و گفتگو درمانی	ساختمان رضا-۱ و سالن آرزو و ساختمان رضا-۲	۱۱۰	۶,۲۶۳,۰۰۰	۱۱۰	۴,۷۰۸,۰۰۰	۱۱۰	۲,۲۸۵,۰۰۰
۴	برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مادران توانخواهان در زمینه‌های قرآن، محفل دوستی، دوزندگی و رایانه مادران	ساختمان رضا-۱ و سالن آرزو و ساختمان رضا-۲	۲۶	*	۲۶	*	۲۶	*
۵	برگزاری جلسات مشاوره هفتگی به صورت فردی و گروهی و مثبت اندیشی مادران	ساختمان رضا-۱ و سالن آرزو و ساختمان رضا-۲	۵۲	*	۵۶	*	۵۶	*
۶	اجرای سرود توسط توانخواهان گروه سرود	پارک پردیسان	۵۰	۵,۰۰۰,۰۰۰	*	*	*	*
۷	برگزاری اردوی تفریحی توانخواهان گروه درمانی و خانواده‌هایشان همراه با ناهار	پارک مشتاق	۲۵	۵,۰۰۰,۰۰۰	*	*	*	*
۸	تولید منسوجات توسط بانوان داوطلب در راستای حمایت مالی	ساختمان رضا-۱	۱۰	۷,۷۲۵,۲۰۰	۸	۹۵۶,۰۰۰	۱۲	۲,۵۵۴,۰۰۰



آینه

من و پسر را کمرنگ کرد تا جایی که کلاً دیگه هیچ رفت و آمدی نداریم. این هم از شانس منه...
 داداشم یه روز گفت می‌خوام برای اربعین برم کربلا. گفت من و این بچه هم میایم، چیزی هم ازت نمیخوام فقط بذار همراهت بیایم. داداشم گفت: نه. من شمارو با این وضعیت این بچه کربلا نمیبرم و این کار احقانه ای هست و خیلی اذیت میشی. گفت: ما تا به جایی باهات میایم و به خاطر این طفل معصوم، زندگیت برکت پیدا میکنه. گفت: نه و عصبانی شد و حرفای بدی زد. شب خوابیدم و خواب دیدم که امام زمان (ع) ظهور کردن و از یه کوه میان پایین و مردم به دنبالشون میرفتند. پسر صدا زد و گفت بدو بیا امام زمان (ع) داره میاد و بیا تا بهت نظر کنن و شفا بگیرن. همینجور که همراه مردم می‌دویدیم رسیدیم پایین کوه و توی یه کلبه یکی از دوستانمون که خانم سادات هستن را دیدم و آقا را ندیدیم. اون خانم یه قاب عکسی از شهدای کربلا بهم داد و گفت اینو برای تبرک کنار پسرِت بذار. اون قاب عکس را به سرو صورت پسرم کشیدم و از خواب بیدار شدم. خلاصه تصمیم جدی گرفتم که بریم کربلا. سه روز مونده بود تا اربعین و رفته دنبال گذرانم. گفتند: دیر اومدی و صادر نمیشه. رفته پیش یکی از سرهنگ‌ها و بهش گفتم من اصلاً کربلا برو نبودم و هزینه هم ندارم اما یه بچه معلول دارم و حالا به دلم افتاده این بچه را ببرم کربلا و می‌کنم نمیشه. مدارکمون را گرفت و گفت برو. گذرنامه بعد از سه روز اومد در خونه و خلاصه به هر سختی بود رفتیم... خیلی اذیت شدم اما مردم کمک می‌کردن. کربلا که رسیدیم یه نفر راهنمایی کرد که رفتیم توی یه حسینیه برای استراحت. روز بعد رفتیم زیارت و آقایون پسر را میبردن توی قسمت خودشون برای زیارت. دو شب کربلا بودیم بعد رفتیم نجف. صبح زود داداشم را اونجا دیدم. رفتیم زیارت و با اینکه پولم تمام شده بود دوباره برگشتیم کربلا. من میخواستیم به هر قیمتی بود پسر را ائمه شفا بگیرم. رفتیم حرم حضرت عباس (ع) و میخواستیم یه قفل بزنم به حرم برای گرفتن حاجت تا اینکه یه خانم ایرانی اومد ما رو که دید جوابی احوال شد و میخواست کمک کنه و پول بهم بده اما قبول نکردم. یه کم صحبت کردیم و شماره منو گرفت و رفت. این گذشت و منم خیلی ناراحت بودم که داشتم به خیال خودم دست خالی برمی‌گشتم. بعد از دوماه باهام تماس گرفت. پزشک زنان و اهل مشهد بود. گفت بیا مشهد و پسترو بیا که یه دکتر از آلمان قرار بیاد و پسترو ویزیت کنه! [ادامه دارد...] ***

آنچه در این صفحه می‌خوانید، سرگذشت واقعی خانواده‌ای تحت پوشش است که از زبان مادران معلولین بیان شده است.
به این مشکل میگن «خود فرو رفتگی».
(قسمت اول)

موقعی که به دنیا اومد عادی بود، به موقع نشست، به موقع راه افتاد و به موقع شروع کرد به حرف زدن. حدود دوسال و نیمه بود که یک روز رفتیم خونه مادرشوهرم. اول بچه‌ها رفتند توی خونه و من که میخواستیم وارد خونه بشم دیدم بچه هام دارند فرار می‌کنند. بعدش هم دیدم مادرخودم هم ترسیده و داره میاد بیرون. خودم رفته داخل دیدم یه نفر لباس مشکی پوشیده و صورتش هم پوشونده. پسر بزرگم با ترس و لکنت می‌گفت این چیه؟ این بچه کوچیکم فقط می‌لرزد و زل زده بود به من. مادرشوهرم بود! لباس بلند مشکی و روبنده پوشیده بود که بچه‌ها رو بترسونه که مثلاً از حساب ببرند. خلاصه بچه‌ها رو اروم کردم. شبش بچه‌ها توی خواب می‌ترسیدند و جیغ می‌زدند. این گذشت تا بعد از حدود ۲۰ روز یه بار هم که رفتیم خونه عمه‌شون. پسرشون ماسک ترساک زده بود و پارچه سفید انداخته بود روی خودش و چراغرو خاموش کرده بود که باز هم بچه‌ها مثل دفعه قبل ترسیدند. کلاً این شوخی‌ها براشون عادی بود و می‌خندیدند. این دفعه بچه کوچیکم حالت‌های خاصی پیدا کرده بود. می‌رفت توی اتاق و پتو میکشید روی سرش. بردمش پیش روانشناس و یه سری روش‌ها آموزش داد. خلاصه فامیل شوهرم خیلی مسخره کردند. با این حال پیش دکتر می‌بردمش اما حالت ناجوری تشخیص ندادند و منم دیگه پیگیر نشدم. این گذشت تا زمان مدرسه رفتنش. توی آزمون سلامت ورودی مدرسه رد شد اما گفتند نگران نباش، به این مشکل میگن «خود فرو رفتگی» و با گذشت زمان درست میشه. سال آینده که بیاری حتماً رفع شده و ثبت نامش میکنیم و همون موقع معرفی‌نامه دادند برای اینکه ببرمش پیش دکتر متخصص. دکتر که بردمش گفت: این بچه اوتیسم خیلی خفیف داره و کلاً مدرسه عادی نتوانست بره که قرار شد یه مرکزی ببرمش و تا کلاس نهم رو بخونه ساله پولی بود و ما هم شهریه نداشتیم که پرداخت کنیم. رفته رفته حالش بدتر شد و من هم روحیه خیلی بدی پیدا کرده بودم. افسرده شده بودم. آخه این بچه سالم بود، جلوی من بازی میکرد، حرف می‌زد اما حالا اینطور شده بود! اشک مادر بی اختیار جاری شد. دیگه به حدی رسید که پسر شروع کرده بود به جیغ زدن و انقدر این حالت زیاد شد تا یه روز نیاز به بستری پیدا کرد و چهل روز توی بخش روان‌پزشکی بیمارستان الزهرا (س) بستری شد. از طرفی هم پدرش که بیچاره بود، اعتیاد هم پیدا کرد. خیلی شرایط سخت شده بود. تازه بعد از اینکه پسر از بیمارستان مرخص شد، رفتیم خونه دیدم پدرش یه وضعی درست کرده توی خونه و همه چی به هم ریخته و کثیف و آشوب... دیگه نمیدونستم چکار کنم. خودم قالی بافی میکردم و پسر رو فرستادم مدرسه تا دیلم گرفت. سال ۸۶ رفته بودم بهزیستی که برای پسر پرونده تشکیل بدم اما همیشه دو دل بودم و نمیخواستم بگم معلوله. آخرش یه خانمی که خودش هم بچه معلول داشت گفت: یه مرکزی هست به نام «آسوده ماوی» که به بچه‌های معلول خیلی کمک می‌کنند. دیگه اومدم و دیدم تازه هم تأسیس شده بود. بعد اومدن تحقیق و خونه را دیدن و بچه منو تحت پوشش قرار دادند. مثلاً هر ماه هم پول برای داروهاش واریز می‌کردند که حالا دیگه داروهاش